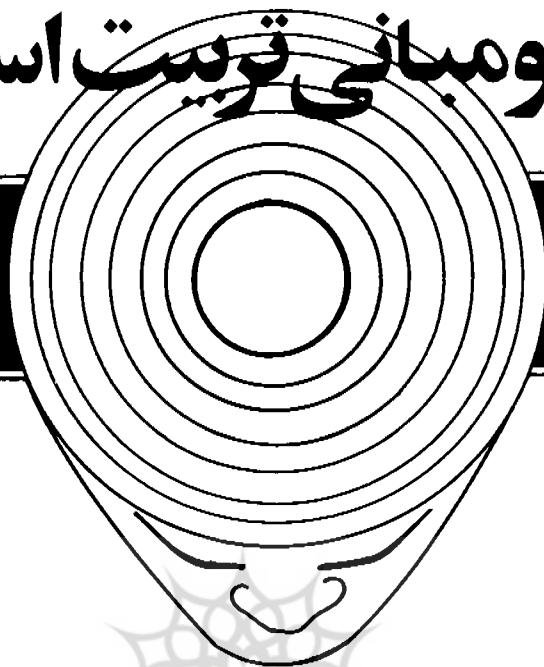


اصول و مبانی تربیت اسلامی



دکتر علی قائمی

بخش ۲ -

فصل ۲ - ابعاد وجودی انسان (۴)

اعجوبه آفرینش بما داده اند که برای کشف صحت و سقم آن ناگزیر باید به قرآن مراجعه کنیم . این امر از آن بابت است که آفریدگار هر پدیده بیش از هر کس میتواند مصنوع خود را معرفی نماید و خداوند در قرآن چنین کرده است .

ابعاد وجودی انسان :

ما با انسان بعنوان یک وجود چند بعدی مواجه هستیم ، موجودی که برخی از روان - شناسان ابعاد شخصیتی او را تا ۲۰ هزار بعد شماره کرده اند . این ابعاد متنوع و پیچیده درهم و شگفت انگیز است . و مجموعه یا ترکیبی از آن ابعاد معجونی میسازد که با

ما اذعان داریم که حیطة انسان کاملاً شناخته شده نیست و بگفته یکی از بزرگسان انسان جزیره‌ای متروک و دور از دسترس است ولی در عین حال برای تربیت او چاره‌ای جز این نداریم که قدم به دنایای پیچیده او بگذاریم و از برخی ابعاد وجودی او سر در آوریم ، در غیر اینصورت تربیت انسان امری دشوار و حتی محال میشود .

کتابی که در زمینه معرفی انسان مطالبی نوشته و عرضه کرده‌اند برخی از جنبه‌ها و ابعاد او را معرفی کرده و دورنمایی از این

پای بندی بآن میکشاند .

— رشد و پرورش بدنش موجود توجه است .
— دراین پرورش کوشش به تقویت آن ،
بهداشت آن و سلامت آن است .

— در آنچه که با حیوان اشتراک دارد
نمیخواهیم فانی وزائل شود و نه آنکه
بخواهیم برگردد ، بلکه تعدیل مطرح است .
— جنبه اهریمنی او اغلب مربوط به لذاذذ
تن است .

جنبه روح و روان :

روح و روان او امری است

مبهم و پیچیده .

— مشخصات ثابت و معین او کاملاً شناخته
شده نیست .

— روحش قدرتی ورای حواس ظاهر دارد .

— درسایه روح او بسیاری از مسائل که از
چارچوب محسوسات بیرون است میتوان کشف
کرد .

— همه حرکات و سکنات او از روح بسیط اوست
که مشرف بر کالبد مادی انسان است .

— روح در انسان دارای وسعت و اندازه ای
است که میتواند همه پدیده های متضاد را در
عمق خود فرو برد ، هماهنگ ، مرتب و یا
هضم سازد .

— در روح انسان حالت مقاومت است و این
خود موجب لجاجت است .

— در عین کوچکی در برابر جهان طبیعت
قرار دارد و نمونه آن است .

دیگری متفاوت است آنچنان که در سراسر
آفرینش انسان دو فرد را نمیتوان سراغ گرفت
که از همه ابعاد و جهات شبیه همدیگر باشند
شناخت همه جانبه این انسان آنچنان
دشوار است که حتی والدین در طول ۲۰ سال
تماس مداوم ، مجالست و جودی با فرزندان
خود نمیتوانند آنها را بدانگونه که هستند
بشناسند و معرفی کنند .

بعدهای انسان از جهات گوناگون و از
جمله بعد مادی ، معنوی ، آسمانی ، زمینی
فردی ، جمعی ، ملی ، مذهبی ، اخلاقی ،
روانی ، عاطفی ، تربیتی ، ظرفیت ،
استعداد ، عقل ، عمل ، فکر ، دنیا ، لذت
الم ، ظاهر ، باطن ، میل ، گذشت ، قلب
تن ، رحمانی ، شیطانی ، ... قابل
بررسی است که درباره هر کدام حرف بسیاری
میتوان زد . ما ذیلاً به برخی از این جنبه ها
و ابعاد اشاره خواهیم کرد :

بعد تن :

او موجودی ناسوتی است . از
خاک است و از آب ساخته شده است .
حیوان است و از این بابت چون دیگران
دارای ابزار و آلات است .

— جنبه های حسی او همانند حیوانات با
مختصر تفاوتی است .

— بدن از اجزاء آلی موجود در خاک درست
شده .

— بعد خاکیش او را به جنبه های مادی و

— اختلال در آن موجب خروج از حال اعتدال است .

جنبه مادی و معنوی انسان :

از دید دیگر انسان یک موجود دوبعدی و دارای دو چهره است : مادی ، معنوی .

— چهره مادی او ناشی از خاک و خواست آن در غذا ، لباس ، مسکن ، جنس و لذائذ آن است .

— چهره معنوی او ناشی از نفخه الهی در او و بصورت تعالی ، اوجگیری ، زیبا دوستی ، ایثار است .

— انسانیت و کمال انسان برخلاف تصور ماتریالیست ها زائیده جنبه های اقتصادی یا جنسی نیست . بلکه زائیده فطرت و میل نهادی در اوست .

— اگر این دو بعد در انسان رشد و پرورش یابد و تربیت غلط آنرا آلوده نسازد حق — جوئی ، عشق و پرستش معبود ، خداجوئی ، تنفر از ظالم ، اعانت به مظلوم ، عدالت — خواهی ، امانت دوستی ، حیا ، تلاش در جهت وصول به بینهایت ، خیرخواهی ، فداکاری ، در انسان اوج خواهد گرفت .

— تکیه ما در تربیت روی جنبه مادی صرف و یا معنوی خالص نیست ، هر دو بعد او مطرح است .

— شخصیت انسان منحصر به جنبه روحی که مجرد از ماده باشد نیست ، توجه به هر دو مساله باید بشود .

جنبه درون و بیرون :

از دید دیگر انسان دارای دو بعد درون و بیرون است .

— بیرون و یا ظاهر او همان است که میبینیم و شامل چشم و گوش و چهره و دست و پا و دیگر اعضاء است که همه از خاک پدید آمده اند و جنبه آلی ، مکانیکی ، فیزیکی و شیمیائی دارند . انسانها از این بابت تا حدودی بهم شباهت دارند .

— دنیای درون او شامل افکار ، تمایلات ، آرزوها ، عقیده ها ، خیرخواهی ، تمایل به شر ، اراده ، آگاهی و از این قبیل است .

— گویانکه برفطرت پاک آفریده شده ولی نفس او متمایل به شر است و این حالت بر دیگر حالاتش غلبه دارد .

— او را قدرت اراده است که در عین محدودیت مرزی وسیع دارد . از طریق آن میتواند حرکت کند ، مشکلات را حل نماید ، گره از کار بگشاید ، و بالاخره بگونه ای مفید یا مضر تصمیم بگیرد .

— از نظر درون تفاوتها در انسانها بگونه و حدی است که دونفر را نمیتوان یافت که از هر جهت باهم شبیه باشند .

— تشابه ظاهر انسان ها ربطی به تشابه در باطن ندارد .

— بندرت میتوان از طریق ظاهر پی به باطن انسانها برد .

جنبه فردی و جمعی :

- میآموزد .
- حیات او در گروه آموختن است .
- اگر آنچه را که میداند فراموش کند در فاصله‌ای اندک خواهد مرد .
- او برخلاف حیوان آنچه را که آموخته است میتواند بدیگران یاد دهد .
- آموخته ها و مکتوبات خود را میتواند تحلیل و ارزیابی نماید .
- دست آورده‌های خود را میتواند گسترش دهد و برآن بیفزاید .

جنبه تعهد و مسئولیت او :

- از جنبه‌های مهم تفاوت انسان و حیوان جنبه تعهد و مسئولیت پذیری انسان است .
- مسئولیت پذیری او دارای جنبه ارادی و اختیاری است .
- موهبت‌ها و استعداد‌های خود را در طریق انجام مسئولیت میتواند بکار اندازد .
- عقل و اراده اش او را در پذیرش تعهد و نوع مسئولیت و نیز طرد آن یاری میدهد .
- در انجام تعهد و مسئولیت نیازمند براهنما است .
- مسئولیت پذیری او ریشه فطری دارد و بر این اساس بر او سنگینی نمی‌نماید .
- بعلت علاقه به تن پروری در صدد پذیرش مسئولیت های کوچک است .

زمینه‌های شخصیت

او دارای زمینه‌های گوناگون در جنبه رشد

- از نظر دیگر انسان دارای دو جنبه فردی و جمعی است .
- در جنبه فردی دارای روش ، تکالیف ، خط مشی مخصوص بخویش است .
- دنیای او متفاوت از دنیای دیگران است .
- در دنیای اندیشه خود شناور است .
- در مصائب و دشواریها تنها بفکر نجات خودش است .
- در جنبه جمعی زندگی او براساس آن رنگ میگیرد .

- خواسته‌های دیگران و راه و روش آنان در او موثر است .
- او ناگزیر است بگونه‌ای در اجتماع سازگاری کند .
- به مقررات و ضوابط اجتماعی اندیشیده پای بند است .
- در برابر جمع شان و راه و رسم خاصی دارد خود را میآراید ، خود نگهدار است ، حالت ریاکاری نمیگیرد و ...
- در گروه کار خودش است .

- ووزر و بال دیگران برگردن او نیست .
- شخصا باید حساب پس دهد .
- وظیفه در سازندگی جمع دارد .

بعد آموزش و ابناء :

- انسان آموزش پذیر است .
- آنچه که میبیند ، میشوند ، لمس میکند

اصول حاکمه بر رفتار

رفتار او تحت تا بعیت یک یک و یا جمع اصول زیر است :

قدرت طلبی ، انحصار جوئی ، تمایل بسه صیانت و ذلت ، بینهایت جوئی ، شهوت یا میل ، تنفر یا انزجار ، تمایل به معاشرت ، جذب و دفع ، خودنمائی ، خودخواهی و خودپسندی ، آرزومندی ، آگاهی و ناآگاهی ، حرکت و تلاش ، آسایش طلبی ، عدالت ، اخلاق ، زیبایی ، حقیقت طلبی ، شادی و غم ترس و اضطراب ، عاطفه ، قهرمان جوئی ، ایده آل طلبی ،

او از این بابت محل اجتماع اضداد است . اصول حاکمه بر او متعدد ، متنوع ، پیچیده و درجه بندی شده اند .

درعین حال

درعین اینکه انسان دارای ابعاد متعدد و متنوع است واحدی غیر قابل تجزیه است ، در یک سیستم زندگی میکند ، حرکات و افعالش تحت عنوان رفتار یک امر کلی است در سیروتکاپو برای یافتن یک حیات معقول است ، ذات او از نظر قرآن یگانه است ، بین عقل و عاطفه ، عمل و دریافت فرد در حالت اعتدال انفصال وجدائی نیست و این تربیت است که باید جنبه های عدم اعتدال او را موزون و معتدل کند و بین ابعاد وجودی او و حتی رشد تن و روان ، قلب و عقل هماهنگی ایجاد نماید .

و تعالی شخصیت است چون حافظه ، تداعی معانی ، تفکر ، تحلیل ، داوری ، مقایسه ، قابلیت تعمیم ، انتخاب گری ، کمال جوئی ، حساب کردن ، تعقل ، اراده ، آزادی ، اختیار ، تمایل فطری ، تنفر فطری ، ایثار ، امانت ، عفو ، خشم ، انتقام ، بینهایت طلبی

او با استفاده از این زمینه ها میتواند روح خود را عظمت بخشد به راهی رود که سعادت و حیات خود و جامعه در آن اسست و این هدف بشرطی قابل وصول است که او در جریان زندگی زیر نظر رهبری جهت پیدا کند .

اصول کلی رفتار

رفتار انسان براساس :

- نیازهاست و هر نیاز موجب پدید آمدن عکس العمل خاصی است .
- توسعه و گسترش حیات بتناسب نیازهاست .
- هشیاری و آگاهی وزمانی هم ناآگاهانه است
- دفاع از شخصیت جسمی و معنوی ، از تن ، فکر ، هدف است .
- بدنبال جلب نفع و دفع ضرراست .
- دیدن تنها منافع خودش است .
- ترجیح منافع آبی برآتی است .
- وسوسه و تردید است .
- جبران کسروانگسار است .
- خواسته های نفس است